

سه‌شنبه ۲۹ مهر ۱۴۰۴

وطن‌امروز | شماره ۴۴۴۲



ورزشی

اخبار

دیدار فرزندان شهید حاج قاسم

سایمانی با اعضای تیم ملی کشتی

فرزندان سردار شهید سپهبد حاج‌قاسم سلیمانی به کمپ تیم‌های ملی کشتی رفتند و با اعضای تیم قهرمان جهان گفت‌وگو کردند.

به گزارش فارس، فرزندان سردار شهید سلیمانی جمعه در محل کمپ تیم‌های ملی کشتی حضور یافتند و با رئیس فدراسیون و اعضای تیم ملی دیدار و گفت‌وگو کردند. تیم‌های ملی کشتی آزاد و فرنگی برای نخستین بار در تاریخ، همزمان قهرمان مسابقات جهانی شدند.

■ ■ ■

پاداش عجیب عربستان

صدای قهرمان جام جهانی را در آورد

پاداش باورنکردنی دولت سعودی به بازیکنان تیم ملی فوتبال آن کشور برای صعود به جام جهانی باعث انتقاد شدید آرژانتینی‌ها شد.

نشریه اولیه آرژانتین در گزارش‌ی به انتقاد از پاداش نجومی عربستان به بازیکنان تیم ملی فوتبال کشورش برای صعود به جام جهانی خبر داد که مبلغی نزدیک به ۴۰ میلیون دلار است.

پاداش سعودی‌ها برای صعود به جام جهانی ۲۰۲۶ به بازیکنان و کادر فنی به اندازه پاداش آرژانتین قهرمان جام جهانی ۲۰۲۲ است.

عربستان هفته گذشته در مرحله پلی آف مقدماتی جام جهانی به مصاف عراق رفت و به تساوی بدون گل رسید و هر دو تیم ۴ امتیازی شدند اما عربستان به دلیل گل زده بیشتر (تفاضل گل برابر) به سختی راهی جام جهانی ۲۰۲۶ شد.

نشریه آرژانتینی با تعجب از این پاداش نجومی نوشت هیچ کشوری پاداش با این رقم را تنها بابت صعود به جام جهانی ۴۸ تیمی نمی‌دهد اما پادشاهی عربستان به هر بازیکن و اعضای کادر فنی یک میلیون دلار پاداش داد. براساس گزارش اولیه، با بررسی پاداش تیم‌های صعودکننده در تاریخ جام جهانی، پادشاهی سعودی بیشترین پاداش تاریخ را پرداخت کرده است.

گزارش

دستیار مورینو عضو تیم ملی ایران به سمپدور با رفت فرار ایتالیایی

در فوتبالی، بعضی فرصت‌ها آنقدر نزدیک می‌آیند که صدای نفس‌شان را می‌شنوی اما در یک لحظه محو می‌شوند.ماجرا سالواتوره فوتی، مربی سرشناس ایتالیایی است که قرار بود روی نیمکت تیم ملی ایران بنشیند، دقیقاً از همان جنس است.فرصتی که با تأخیر فدراسیون دود شد و به آسمان چنوا رفت.

در روزهایی که همه‌انتظار داشتند.امیر قلعه‌نویی بالاخره از رؤیای داشتن یک مشاور خارجی عبور کند و نام فوتی را به فهرست کادرش اضافه کند. ناگهان خبر از ایتالیا رسید: مرد مورد نظر، قرار داشت را با سمپدوریا امضا کرده است. همان تیم ریشه‌دارلی که زمانی بوی قهرمانی اروپا می‌داد و حالا در ته جدول سری بی دستوپا می‌زند. رسانه‌های ایتالیایی نوشتند: «سمپدوریا بالاخره سرمربی جدید خود را معرفی کرد، هرچند نقش اصلی را در تمرینات و تصمیم‌فنی، سالواتوره فوتی ایفا خواهد کرد.» در واقع او همان رهبر پنهانی است که به دلیل نداشتن مدرک حرفه‌ای پرولیسانس، نامش فقط در ستون «دستیار اول» ثبت شده اما هر کس فوتبال را بشناسد می‌داند این مرد با ذهن تاکتیکی‌اش، فرمان را در دست دارد.

فوتی پیش‌تر در کنار مارکو جامپانولو و ژوزه مورینیو کار کرده بود؛ از تورین و میلان تا رم و استانبول و حتی همین سمپدوریا، همیشه در سایه‌ای روشن از مربیان بزرگ. حالا نوبت خودش رسیده تا نیمکتی را هدایت کند. هرچند به ظاهر در عنوان «دستیار» است ولی عملاً سرمربی آبی‌پوشان چنوا شده است. او کسی است که جزئیات را نفس می‌کشد و نظم را به تیم تزریق می‌کند. سمپدوریا، تیمی که از یاد رفته بود، در جست‌وجوی همین خونسردی بود.

در چنوا، او نخستین تمرین را در زمین مونگانیی آغاز خواهد کرد. رسانه‌ها در گزارش‌های خود این لحظه را «طلوع عصر فوتی» توصیف کرده‌اند؛ دوراهی که شاید در مدار ثبت فدراسیون ایتالیا ناپید اما در چشمان بازیکنان و تماشاگران، و سرمربی واقعی است. نخستین آزمون او، دیدار با فروزینونه در ورزشگاه تاریخی لوییجی فراری خواهد بود؛ جایی که قرار است مرد آرام ایتالیایی برای اولین‌بار مقابل نبوه نگاه‌بایاست.

اما در تهران، ماجرا رنگی دیگر دارد. قلعه‌نویی مدت‌ها بود چشم به جذب او دوخته بود. حتی تصویر فوتی در دوی، کنار زمین مسابقه دوستانه ایران – تانزانیا، نشان می‌داد همه چیز برای امضا آماده است اما تازمانی که نامه رسمی فدراسیون ارسال شود، روزها گذشت و تلفن‌ها بی‌پاسخ ماند. در همان فاصله، مدیران سمپدوریا تماس گرفتند، پیشنهاد را روی میز گذاشتند و مرد ایتالیایی بدون درنگ امضا کرد.

در ظاهر، فقط یک دستیار از دست رفته است اما در باطن، این پرونده نامدای از تکرار یک درد قدیمی است: تأخیر، تردید و از دست رفتن. مربی‌ای که می‌توانست بخشی از ساختار تازه تیم ملی باشد، حالا در کشور خودش آغاز به کار کرده و فدراسیون فوتبال ایران یک بار دیگر نتیجه تصمیم‌گیری‌های کند خود را دید.

فوتی در گفت‌وگویی کوتاه گفته بود: «به ایران علاقه دارم اما حرفه‌ای‌ام و این موضوع اجازه نمی‌دهد بی‌برنامه کار کنم.» و این جمله شاید خلاصه تمام داستان باشد. او برنامه داشت، ما تعلق کردیم.

در ایتالیا، نامش در مدار رسمی کنار آنجلو گروگوتی ثبت شده اما دهنه می‌داند این کشتی را چرخ را او می‌چرخاند. در ایران اما، تنها چیزی که به جا مانده، افسوس از یک فرصت سوخته است. فدراسیون هنوز به دنبال جایگزین می‌گردد اما حقیقت روشن است: مربی‌ای که می‌توانست جان تازه‌ای به نیمکت تیم ملی بدهد، دیگر رفت.

در پایان، شاید تنها جمله‌ای که بماند همین باشد: در فوتبال، هر تأخیر، نوعی شکست است و ما، باز هم دیر رسیدیم!

در روزهایی که نبرد رسانه‌ها از توپ

و تفنگ خطرناک‌تر شده، قهرمانان ایرانی با هر مدال‌شان تیری در قلب عملیات روانی دشمن شلیک کردند. آنها نه فقط برای امتیاز یا رکورد، بلکه برای حیثیت ملی جنگیدند. از سالن‌های آمریکا و کره‌جنوبی تا تنش‌های کرواسی و زمین‌های هند و اندونزی، یک صحنه بارها تکرار شد: ورزشکار ایرانی، بوسه بر پرچم، اشک در چشم و لبخند بر چهره.

در اوج التهاب‌های جهانی، وقتی نخست‌وزیر رژیم‌ی اشغالگر مردم را به آشوب دعوت می‌کرد و رسانه‌های وابسته و ضدانقلاب در تلاش بودند آتش اختلاف را شعلهور کنند، ورزش ایران روایت دیگری ساخت؛ روایتی از اتحاد، ایمان و سربلندی. آنها نشان دادند سکوهای افتخار هم می‌توانند خاکریز جبهه جنگ نرم باشند. والیبالیست‌های تیم ملی در اوج فشارها، هنگام پخش سرود ملی، قامت راست کردند و احترام نظامی گذاشتند. تصویری که مثل موجی از غرور در شبکه‌های اجتماعی پیچید و به سایر رشته‌ها رسید. زنان کاراته‌کا، مردان کشتی گیر، وزنه‌برداران و فوتسالیست‌ها، همگی پیام را دریافت کردند: هر مدال یعنی لبخند یک ملت.

در ماه‌های گذشته، کارنامه ورزش ایران در خشان‌تر از هر زمان بود. کشتی آزاد پس از ۱۲ سال و کشتی فرنگی پس از ۹ سال قهرمان جهان شدند، وزنه‌برداری پس از ۸ سال بر بام دنیا ایستاد، تیم‌های جوانان در تگواندو و والیبال مدال طلا را لمس کردند. در همان روزها، سارا بهمنیار نخستین طلای تاریخ کاراته

دوباره نام اوسمار ویرا در هوای قرمز پایتخت پیچیده است؛

مربی‌ای که با نیم‌فصل حضورش به عنوان سرمربی ردی از نظم و لبخند در پرسپولییس جا گذاشت و حالا در میانه شایعات بازگشت، رفتاری از خود نشان داده که بوی معما می‌دهد. از وقتی چمدانش را در تایلند بست، هواداران سرخ‌پوش چشم به راه بودند تا شاید با لغزش کادر فعلی، او دوباره در مسیر تهران قرار گیرد اما پس از شکست تلخ در خرم‌آباد و استعفا ی ناگهانی مدیرعامل، تماس‌هایی از درون باشگاه با او برقرار شد که پاسخ آن، همه را مبهوت کرد.

اوسمار صریح و بی‌احساس گفت: «پیشنهاد را بفرستید، بعد حرف می‌زنیم!». نه جلسه‌ای، نه مذاکره‌ای؛ فقط عدد و امضا. همین پاسخ کوتاه کافی بود تا مدیران در سکوت، به دنبال معنای پشت این جمله

پس از شکست تلخ پرسپولیس در خرم‌آباد و کنار رفتن رضا درویش از مدیریت، باشگاه در میانه بحرانی بی‌نقشه ایستاده است. هیأت‌مدیره جلسه‌ای فوری ترتیب داده تا تکلیف نیمکت را روشن کند اما در میان اسامی پرمتطابق، همه دوباره به نامی قدیمی برگشته‌اند؛ همان مربی‌ای که زمانی ۳ جام پیاپی را به باشگاه آورد و با نظم، انضباط و لبخند، فوتبال ایران را درس داد.

در تماس کوتاهی که از سوی مدیر تازه منصوب‌شده پرسپولیس با او گرفته شد، برانکو با لحنی آرام و بی‌هیجان پاسخ داد: «در موقعیتی نیستم که بخوام دوباره دوباره باشگاه‌ها شوم. سال‌ها درگیر این هیاهو بوده‌ام و حالا ترجیح می‌دهم یا در سطح ملی کار کنم یا در مسابقات بین‌المللی شرکت کنم.»

پس از شکست تلخ پرسپولیس در خرم‌آباد و کنار رفتن رضا درویش از مدیریت، باشگاه در میانه بحرانی بی‌نقشه ایستاده است. هیأت‌مدیره جلسه‌ای فوری ترتیب داده تا تکلیف نیمکت را روشن کند اما در میان اسامی پرمتطابق، همه دوباره به نامی قدیمی برگشته‌اند؛ همان مربی‌ای که زمانی ۳ جام پیاپی را به باشگاه آورد و با نظم، انضباط و لبخند، فوتبال ایران را درس داد.

در تماس کوتاهی که از سوی مدیر تازه منصوب‌شده پرسپولیس با او گرفته شد، برانکو با لحنی آرام و بی‌هیجان پاسخ داد: «در موقعیتی نیستم که بخوام دوباره دوباره باشگاه‌ها شوم. سال‌ها درگیر این هیاهو بوده‌ام و حالا ترجیح می‌دهم یا در سطح ملی کار کنم یا در مسابقات بین‌المللی شرکت کنم.»

پس از شکست تلخ پرسپولیس در خرم‌آباد و کنار رفتن رضا درویش از مدیریت، باشگاه در میانه بحرانی بی‌نقشه ایستاده است. هیأت‌مدیره جلسه‌ای فوری ترتیب داده تا تکلیف نیمکت را روشن کند اما در میان اسامی پرمتطابق، همه دوباره به نامی قدیمی برگشته‌اند؛ همان مربی‌ای که زمانی ۳ جام پیاپی را به باشگاه آورد و با نظم، انضباط و لبخند، فوتبال ایران را درس داد.

پس از شکست تلخ پرسپولیس در خرم‌آباد و کنار رفتن رضا درویش از مدیریت، باشگاه در میانه بحرانی بی‌نقشه ایستاده است. هیأت‌مدیره جلسه‌ای فوری ترتیب داده تا تکلیف نیمکت را روشن کند اما در میان اسامی پرمتطابق، همه دوباره به نامی قدیمی برگشته‌اند؛ همان مربی‌ای که زمانی ۳ جام پیاپی را به باشگاه آورد و با نظم، انضباط و لبخند، فوتبال ایران را درس داد.

پس از شکست تلخ پرسپولیس در خرم‌آباد و کنار رفتن رضا درویش از مدیریت، باشگاه در میانه بحرانی بی‌نقشه ایستاده است. هیأت‌مدیره جلسه‌ای فوری ترتیب داده تا تکلیف نیمکت را روشن کند اما در میان اسامی پرمتطابق، همه دوباره به نامی قدیمی برگشته‌اند؛ همان مربی‌ای که زمانی ۳ جام پیاپی را به باشگاه آورد و با نظم، انضباط و لبخند، فوتبال ایران را درس داد.

پس از شکست تلخ پرسپولیس در خرم‌آباد و کنار رفتن رضا درویش از مدیریت، باشگاه در میانه بحرانی بی‌نقشه ایستاده است. هیأت‌مدیره جلسه‌ای فوری ترتیب داده تا تکلیف نیمکت را روشن کند اما در میان اسامی پرمتطابق، همه دوباره به نامی قدیمی برگشته‌اند؛ همان مربی‌ای که زمانی ۳ جام پیاپی را به باشگاه آورد و با نظم، انضباط و لبخند، فوتبال ایران را درس داد.

پس از شکست تلخ پرسپولیس در خرم‌آباد و کنار رفتن رضا درویش از مدیریت، باشگاه در میانه بحرانی بی‌نقشه ایستاده است. هیأت‌مدیره جلسه‌ای فوری ترتیب داده تا تکلیف نیمکت را روشن کند اما در میان اسامی پرمتطابق، همه دوباره به نامی قدیمی برگشته‌اند؛ همان مربی‌ای که زمانی ۳ جام پیاپی را به باشگاه آورد و با نظم، انضباط و لبخند، فوتبال ایران را درس داد.

پس از شکست تلخ پرسپولیس در خرم‌آباد و کنار رفتن رضا درویش از مدیریت، باشگاه در میانه بحرانی بی‌نقشه ایستاده است. هیأت‌مدیره جلسه‌ای فوری ترتیب داده تا تکلیف نیمکت را روشن کند اما در میان اسامی پرمتطابق، همه دوباره به نامی قدیمی برگشته‌اند؛ همان مربی‌ای که زمانی ۳ جام پیاپی را به باشگاه آورد و با نظم، انضباط و لبخند، فوتبال ایران را درس داد.

پس از شکست تلخ پرسپولیس در خرم‌آباد و کنار رفتن رضا درویش از مدیریت، باشگاه در میانه بحرانی بی‌نقشه ایستاده است. هیأت‌مدیره جلسه‌ای فوری ترتیب داده تا تکلیف نیمکت را روشن کند اما در میان اسامی پرمتطابق، همه دوباره به نامی قدیمی برگشته‌اند؛ همان مربی‌ای که زمانی ۳ جام پیاپی را به باشگاه آورد و با نظم، انضباط و لبخند، فوتبال ایران را درس داد.

ج- هوشمندی در به کارگیری قدرت:برخلاف جریان تهور، جریان

ورزش ایران چگونه بعداز جنگ تحمیلی ۱۲ روزه روی سکوهای جهانی خودنمایی کرد؟

مدال‌های جهانی، پاسخ محکم به جنگ نرم دشمن



«مدال‌های جهانی، محکم‌ترین پاسخ به جنگ نرم دشمن است.»

در واقع، هر مدال طلایی که بر سینه یک ایرانی می‌درخشد، همان‌قدر ارزش دارد که پیروزی در یک نبرد بزرگ، چون در جهان امروز، گاهی یک سکوی می‌تواند کاری کند که ۱۰۰۰ رسانه از انجماش عاجزند.

مدال بانوان سخن می‌گویند، لحن‌شان از غرور لبریز است. گویی برای چند دقیقه، خستگی زندگی کنار می‌رود و حس مشترکی از «ما می‌توانیم» دوباره زنده می‌شود. این همان جویایی است که دشمنان بیرون مرز نمی‌خواستند بشنوند.

و سرانجام، در دیدار دیروز قهرمانان ورزشی با رهبر انقلاب اسلامی جمله‌ای گفته شد که خلاصه همه این معناهاست:

سرمربی پیشین پرسپولیس کلاس گذاشت!

رفتار مشکوک اوسمار

جانشین روشن نشده، حکم به رفتن وحید هاشمیان بدهند و از سوی دیگر مذاکره واقعی هم با اوسمار ممکن نیست. برانکو صراحتاً کناره‌گیری کرده و نامه‌ای خارجی یکی‌یکی حنف

در میان این بن‌بست، نگاه‌ها به گزینه‌ای آشنا دوخته شده است: یحیی گل‌محمدی، مردی که هنوز در اهواز کار می‌کند اما در قراردادش بندی وجود دارد که می‌تواند او را آزاد کند. همین بند، خواب را از چشم مدیران فولاد گرفته است.

اکنون سرنوشت نیمکت پرسپولیس در دستان پیمان حدادی است؛ مدیری تازه‌نفس که باید تصمیم بگیرد میان رؤیای بازگشت اوسمار و واقعیت پرهزینه آن، کدام را انتخاب کند.

هاوادران چشم به راهدن و پرسپولیس مثل همیشه در میان ۲ واژه ایستاده است: آفر یا خداحافظی.

وداع آرام مردی که پرسپولیس را ساخت

برانکو خسته

و آرامش خانه‌اش در زاگرب بیش از فریاد تماشاگران نیاز دارد. برای هواداران پرسپولییس، این خبر شبیه شنیدن وداع یک قهرمان است. هنوز وقتی نامش برده می‌شود، تصویر جشن قهرمانی در ذهن‌ها زنده می‌شود؛ روزهایی که پرسپولیس نظم داشت، نظم بازنشستگی از نیمکت ایستاده؛ مردی که به نقطه‌ای رسیده که شور رقابت در او کم شده است. خودش می‌گوید سال‌ها در چمدانش جز پیراهن قرمز و دفتر تمرین چیزی نداشت اما امروز به سکوت خالی‌اش فقط با یک نام پر نمی‌شود، بلکه با فلسفه‌ای که از بین

بحران نیمکت سرخ و تردید درباره هاشمیان

سلام به بی‌ثباتی

بعضی از نزدیکانش گفته‌اند اگر باشگاه بدهی قدیم را صاف کند، گفت‌وگو ممکن است.

دیگری اسپانیایی است، عاشق فوتبال تهاجمی که در تبریز نشانی از شور و تانکتیک بر جا گذاشت. او به صحنه رسانه‌ها بازگشته و در گفت‌وگویی کوتاه گفته: «فوتبال ایران را فراموش نکرده‌ام».

اما میان تمام این نام‌های خارجی، صدای آشنایی هم از خانه شنیده می‌شود؛ مردی قدیمی رده‌های پایه پرسپولیس، مردی آرام که سال‌ها دور از هیاهو برای پرورش نسل تازه تلاش کرده است. او برای برخی مدیران گزینه‌ای مطمئن‌تر است؛ کم‌هریزنه، بی‌حاشیه و با ریشه‌ای سرخ در جان‌ش.

■ **مدیران در تردید**

مشکل این است که هر تصمیم در پرسپولیس هزار چشم دارد. هر انتخابی می‌تواند موجی تازه از انتقاد یا تحسین بسازد. مدیران تازه هنوز نمی‌دانند باید با عقل تصمیم بگیرند یا با صداهای بیرون. چون در این باشگاه همیشه احساس، منطق را در زمین خودش شکست داده است.

فصل تازه شروع شده و پرسپولیس فقط چند امتیاز از صدر دور است اما اضطراب در رگ‌های باشگاه می‌دود. گویی همه منتظرند یک نام اعلام شود تا آرامش موقت برگردد. هرچند در تاریخ این تیم بارها دیده‌ایم آرامش زودرس، پیش‌درآمد توفان بوده است.

■ **هاشمیان در میان سایه‌ها**

خود وحید هاشمیان می‌داند روی لب تیغ قدم می‌زند او مربی کم‌حرفی است، اهل جار و جنجال نیست. سال‌ها در آلمان نظم

فراموش شده‌ای که حالا دوباره در مدار شایعات می‌چرخند.

■ **سایه‌های روی نیمکت**

در میان گردوغبار اسامی، چند چهره بیش از بقیه برق می‌زنند. نخست مردی از شرق آسیا؛ همان که روزی با نیم‌فصل حضورش در دل قرمزها جای گرفت و بعد ناگهان رفت. او در تایلند خداحافظی کرد اما در تهران هنوز نامش در گوش‌هاست. می‌گویند آگاه به خلق‌وخوی ایرانی‌هاست و وفوت‌وفن لیگ برتر را از حفظ می‌داند. برای بعضی‌ها بازگشتش یعنی بازگشت روزهای روشن. در سوی دیگر، پیرمردی کروات ایستاده؛ معمار دوران طلایی سرخ‌ها. مردی که هنوز با نامش ورزشگاه‌های می‌لرزند و هر بار تصویرش روی صفحه می‌آید، هوادار حسرت لبخند او را می‌کشد. او بعد از جدایی از تیم ملی چین در خاتمه‌اش مانده و گفته می‌شود چند تماس دوستانه با مدیران جدید داشته. بازگشتش شاید رویایی باشد اما هزینه‌اش کم نیست؛ نه مالی، نه مدیریتی. گزینه سوم فرانسوی است؛ چهارمی جدی با سابقه‌ای نیمه‌تمام در سپاهان. او تابستانی که گذشت، به بهانه شرایط نامن‌کنش، ایران را ترک کرد اما حالا رزمه بازگشتش شنیده می‌شود. کسی که اهل شعار نیست و نظم را بر هیجان ترجیح می‌دهد. برای تیمی مثل پرسپولیس که در هیاهوی احساس گرفتار است، شاید همین ویژگی نعمت باشد.

■ **نامه‌ای در میان سایه‌ها**

در لایه دوم شایعات، چند اسم دیگر هم دست به دست می‌شود. مرد آرژانتینی که نیم‌فصل در تهران دوام آورد و با چمدانی از دلخوری رفت. او هنوز مأموریتش را ناتمام می‌داند و

تحول در استفاده از قدرت، اصل عقلانیت و محاسبه را فدای احساسات نمی‌کند. این جریان می‌داند کجا باید صبر استراتژیک پیشه کند، کجا باید از ابزار دیپلماتی بهره گیرد و کجا باید با قاطعیت از قدرت سخت خود برای ایجاد بازدارندگی و گشودن مسیر تاریخ استفاده کند. این همان حکمتی است که جریان تهور از آن بی‌بهره است.

د- **اتصال دین و دانش برای تعالی:** این جریان، پیشرفت کشور را در دو پویندی عمیق میان دین به عنوان منبع هویت، معنا و مقاومت و دانش به عنوان ابزار ساختن یک کشور قوی و فنآور می‌داند.

با لحاظ این ویژگی‌ها که بر شمرده شد، رهبری و هدایت این جریان فکری و راهبردی در ایران، بدون شک با حضرت آیت‌الله

تبحر با نگاه به گذشته، ایران را به تسلیمی در برابر نظمی رو به زوال فرامی‌خواند؛ جریان تهور، با هیجان‌زدگی، کشور را به سوی درگیری‌های فرسایشی و پرهزینه سوق می‌دهد؛ جریان محافظه‌کاری، با انفعال، ایران را در معرض خطرات ژئوپلیتیک قرار می‌دهد که تاریخ بارها تلخی آن را با ما چشاندۀ است. تاریخی، واقع‌بینی استراتژیک، عقلانیت انقلابی و اراده برای ساختن آینده، مسیری روشن و عزتمندانه را فرآوری ملت ایران قرار می‌دهد. انتخاب میان این ۴ مسیر، انتخاب میان تکرار تاریخ یا ساختن تاریخ است. انتخاب میان ایفای نقش یک قربانی یا یک کششگر قدرتمند است. آینده ایران و جایگاه آن در نظم نوین جهانی، در گرو غلبه نهایی تفکر تحول‌خواه بر ۳ جریان دیگر است؛ تفکری که می‌داند در سپیده‌دم جهان نو، فرصت از آن ملت‌هایی است که جرأت کنند با قلب‌های پولادین قاپ‌های کهنه را بشکنند و سر نوشت خود را با دست خود بنویسند.